

همبستگی ملی

در اندیشه شهید مزاری



✍ محرابعلی دانش

اجتماعی بوده است که در طول زمان انسان این آب و خاک نسبت به یکدیگر با خودشان کشیده‌اند. ولی تنها همبستگی نسبی‌ای که دیده می‌شود در دوران جهاد است؛ البته این همبستگی فقط نسبت به وجود دشمن مشترک و نیروهای متجاوز شوروی ایجاد شده است. در این دوره، همبستگی ملی اگر به شکل کلی و ذهنی ایجاد نشده است، حداقل همه ملت افغانستان به یک سو حرکت می‌کردند. هرچند از لحاظ ذهنی که بیشتر مورد نظر نگارنده است، در این دوره نیز چندان همبستگی ملی نهادینه نشده است خصوصاً که کمتر در جهاد پیش آمده است که ما جبهه واحدی علیه نیروهای شوروی داشته باشیم. در دوران جهاد هم هر گروه قومی در شکل خودش جبهه شکل داده می‌رمزیدند. اما هرچه بود باز هم با دشمن مشترک و ایده مشترک می‌جنگیدیم و همه اقوام سهم یکسانی در این زمینه گرفتند.

خارج از حرکت بیرونی اقوام و ملت افغانستان علیه نیروهای متجاوز شوروی و ایجاد ایده مشترک، گاه چراغ‌های سر راه مردم ما روشن شده است و گاه فریادی از گلوهای با درک و درایت نسبت به سرنوشت این ملت فریاد زده شده است، ولی از فرط از هم پاشیدگی اقوام افغانستان باز هم فروخته است و نتوانسته است قامت راست کند، اما طرحی و ایده همبستگی ملی و راه روشنی برای فردا باقی گذاشته است که روشناپخش نسل‌های آینده است و کم کم ذهن‌ها را تغییر خواهد داد. یکی

یکی از مشکلات همبستگی افغانستان، در طول تاریخ، بحران هویت ملی بوده است. این مشکل به اندازه‌ای است که گاهی این سرزمین دچار منازعات نفس‌گیر و بحران‌های داخلی شده است. ما در گذشته تاریخی کمتر شاهد این بوده‌ایم که حکومت‌های گذشته افغانستان راهکار و برنامه و ایده‌ای برای همبستگی ملی در افغانستان ارائه کرده باشد. از همین جهت است که ما و به کار بردن واژه «ملت» بسیار فاصله داریم. اینکه واژه «ملت» گاهی لقلقه زبان ما است، صرفاً به خاطر تشفی خاطر است و خود ما نیز می‌دانیم چه اندازه از این ساختار اجتماعی دوریم. علت دور ماندن ما از «ملت واحد» همواره سیاست‌های ناموزونی بوده است در افغانستان تاخت و تاز داشته و این پوستین‌ناهمگون بر قامت ما دوخته شده است. نگاه‌های یک سویه و قومی محور در حاکمیت‌های مختلف این آب و خاک اجازه قامت راست کردن «ملت» را به ما نداده است تا ما امروزه چون پیکره واحد در صف پاسبانی این خاک و سرزمین ایستاده باشیم. از همین جهت است که امروزه بایستی باید به دنبال گم شده‌ای به نام همبستگی ملی باشیم، طرحی که باید از دیرگاه می‌داشتیم.

ما اگر نقطه طلایی دوران امانی را که کنار بگذاریم، دیگر حکومت‌ها همواره در پی تفرقه گام برداشته‌اند تا همبستگی ملی؛ تمامیت‌خواهی، غارت و جابه‌جایی اقوام و حتا نابودی برخی اقوام افغانستان، کشت کینه و تفرقه و ایجاد شکاف‌های

”

ما اگر نقطه طلایی دوران امانی را که کنار بگذاریم، دیگر حکومت‌ها همواره در پی تفرقه‌گام برداشته‌اند تا همبستگی ملی؛ تمامیت خواهی، غارت و جابه‌جایی اقوام حتا نابودی برخی اقوام افغانستان، کشت کینه و تفرقه و ایجاد شکاف‌های اجتماعی بوده است که در طول زمان انسان این آب و خاک نسبت به یکدیگر با خودشان کشیده‌اند.

“

از شخصیت‌های مهم تاریخی افغانستان که همواره از همبستگی ملی سخن گفته است و سیره رفتاری‌اش نیز بر همین مهم برنامه‌ریزی شده بود، شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری است.

در نوشتار حاضر تلاش بر این است تا در مورد تلاش‌ها و نقش‌آفرینی‌های استاد شهید عبدالعلی مزاری در مورد اتحاد و همدلی و ملت‌سازی در افغانستان بپردازیم؛ چیزی که او به‌عنوان یک حلقه مفقوده و ضرورت ملی می‌دانست و یگانه راه نجات کشور را بیرون‌رفت از این بحران‌ها طرح می‌کرد. آنچه از کلمات به‌جامانده ایشان می‌توان فهمید، این است که وی گذشته سیاسی را نه تنها یک وضعیت تاریک، نکبت‌بار و غیرقابل پذیرش برای همه ملیت‌ها درک نموده بود، بلکه به مثابه منبعی برای وضعیت امروزی می‌دانست، لذا همواره ناکامی‌های گذشته را مایه عبرت‌گیری و اندرز برای نسل امروز از آن یاد آوری می‌نمود. رهبر شهید بار بار به دیگر نخبگان سیاسی هم‌قطاران عصر خویش تذکر می‌داد و راه پرچالش تمامیت‌خواهی و تک‌محوری گذشته را به عنوان تداوم بحران‌های ویرانگر می‌دانست. شهید مزاری بر این باور بود که برای رسیدن به آینده روشن، جامعه پویا و بهم پیوسته، نیاز مبرم و اجتناب‌ناپذیری به مشارکت همه اقوام و ملیت‌ها در سرنوشت سیاسی‌شان دارند، که از طریق انتخابات آزاد و شفاف، همه خود را در آئینه حکومت دموکراتیک و همه‌شمول ببینند، همه حق انتخاب نمودن و انتخاب شدن داشته باشند، باید از اندیشه‌های چرکین زیرپوست منطق و فرهنگ قبیله، قوم و سمت‌گرایی عبور کرد. شهید مزاری معتقد بود افغانستان جدید را باید با زیرساخت

جدید که همدگرپذیری و احترام به همه اقوام و ملیت‌های ساکن در این کشور است بنا کرد. او از درد تبعیض و تعصبات قومی و بی‌عدالتی‌های و عدم رواداری نسبت به دیگر اقوام محروم به شدت رنج می‌برد. ایشان در جمعی از بزرگان و متنفذین کابل در سال ۱۳۷۱ فرمود: «ما مردم افغانستانیم، هیچ نژادی را نمی‌خواهیم نفی کنیم. ترکمن است، هزاره است، تاجیک است، افغان (پشتون) است، ایماق است و دیگر اقوام هستند. همه آنها بیایند در این مملکت بیایند برادروار زندگی کنند و هرکس به حقوقش برسد و هرکس برای سرنوشت خودش تصمیم بگیرد؛ این حرف ماست. اگر کسی بیاید و نژاد خود را حاکم بسازد، دیگران را نفی بکند؛ این فاشیستی است، این خلاف رسوم بین‌المللی است. بناءً ما تکرار می‌کنیم که نیاز به این همبستگی داریم و نیاز به این کمک داریم.»

او در بخش دیگری از سخنان خود می‌گوید: ما اگر در افغانستان به حق خود نرسیم و هویت پیدا نکنیم و موقعیت سیاسی خود را تثبیت نکنیم، لذا یک ضرورت است که برادرها در نظر داشته باشند که اگر کوچکترین غفلت در این زمینه بکنی، باز اسارت صدساله تکرار می‌شود و سیصد سال دوران تاریخ می‌خواهد تا بتوانیم چهارده سال جهاد کنیم و یک ابرقدرت را شکست بدهیم و دنیا روی ما حساب بکند و ماحقوق خود را طلب بکنیم، ما باید با همدیگر ارتباط داشته باشیم.»

بنابراین، شهید مزاری یکی از بزرگترین نام‌آورترین فردی است که داد از عدالت اجتماعی، انسجام و یک‌پارچگی ملی می‌زد و عملاً برای تحقق اهداف بزرگش مبارزه می‌کرد و طرح‌هایی نیز در این زمینه ارائه کرد. شهید مزاری بیش از آنکه به مفاهیم و

”

در جمله معروفی که از او به یادگار مانده است فرمود: «ما حقوق همه ملیت ها را می خواهیم. حقوق ملیت ها به معنای برابری و برادری است. اگر ملیتی حقوق خود را طلب نمودند و خواستار عدالت اجتماعی باشد، به معنای تجزیه طلبی نیست.»

“

انتخابات برگزار شود و این انتخابات آزاد باشد و مردم آزادانه رأی بدهد.» او می گفت: «راه حذف در افغانستان تمام شد و کسی نمی تواند ملیتی، حزبی و یا مذهبی را حذف کند. من به صراحت می گویم که هرکس برای حذف و دشمنی ملیت ها حرف بزند خائن ملی است. هرکسی که بیاید تضاد ملی را به وجود بیاورد، ما او را خائن ملی می دانیم و علیه او هستیم.»

از دید شهید مزاری مشارکت ملی و حضور همه اقوام در ساختار سیاسی تنها راه نجات و راه حل بحران های ممتد افغانستان است. لذا او با تأکید بر مشارکت همه اقوام در تصمیم گیری سیاسی در حکومت، اظهار می دارد: «ما می خواهیم که کلیه ملیت های این کشور هویت سیاسی داشته باشد و با توافق و شرکت آنها، حکومت آینده سازماندهی گردد، ما مصمم هستیم که یک حکومت با شرکت همه اقوام به وجود بیاوریم. ما معتقد هستیم که هرکس روی تمامیت ارضی افغانستان و روی وحدت ملی افغانستان فکر می کند، باید با واقعیت های عینی جامعه برخورد کند و تمام جریانات سیاسی و اقوام و ملیت ها را در نظر بگیرد.» شهید وحدت ملی می گوید: «اگر اقوام ساکن در افغانستان، هویت و شخصیت و حقوق همدیگر را نمی نکنند، دیگر مشکلی وجود ندارد. تمام جنجال ها و درگیری ها بر سر همین مسئله امتیاز طلبی و حذف همدیگر است.» (غفاری لعلی، ۱۳۷۳: ۳۱۳).

به باور شهید مزاری وحدت و همبستگی ملی زمان تحقق می یابد که وضعیت شهروندی بهبود یابد به گونه ای که همه شهروندان نظریه مساوی و پایگاه قومی، نژادی و سمتی شان از مزایا و امتیازات یکسان جامعه بهره مند باشند، زندگی خویش را به شکلی

مقوله های انتزاعی درگیر باشد عصاره دردها، زنج ها، حرمان ها و نابرابری هایی بود که نظام های ستم سالار و استبدادی در جامعه افغانستانی نهادینه کرده بود. حکام مستبد و خودکامه همواره از اتحاد و یک پارچگی اقوام و ملیت های مختلف ساکن در کشور ترس و وحشت داشتند و از این روی، در طول حیات ننگین شان مانع رشد و پیشرفت و بیداری مردم در عرصه های علمی و فرهنگی جامعه شده است. شهید مزاری با درک دقیق و عمیق از گذشته تلخ و تاریک اقوام و ملیت های محروم افغانستان، دست دوستی و برادری را به سوی تمام سران و نخبگان سیاسی دراز می کرد.

در جمله معروفی که از او به یادگار مانده است فرمود: «ما حقوق همه ملیت ها را می خواهیم. حقوق ملیت ها به معنای برابری و برادری است. اگر ملیتی حقوق خود را طلب نمودند و خواستار عدالت اجتماعی باشد، به معنای تجزیه طلبی نیست.»

او با درک واضح و روشن از آینده سیاسی افغانستان و اینکه هنوز رسوبات کهنه و چرکین تعصبات قومی و قبیله ای در ذهن برخی از نخبگان سیاسی موج میزد و در لایه های تفکرات فاشیستی می لولید و با ترس از تکرار تاریخ می فرمود: «ما معتقدیم که حکومت آینده نباید روی مذهب و نژاد به وجود آید. خواست ما روی عدالت اجتماعی، برابری و برادری میان مردم افغانستان است.» رهبر شهید راز تفرقه در افغانستان را می دانست و می گفت: ریشه اصلی تمام فاجعه ها در کشور انحصار و نادیده گرفتن حقوق دیگران است. دشمنی ملیت ها فاجعه بزرگی در افغانستان است، دولت مردمی وقتی به وجود می آید که

برابرو به دور از تبعیض و افزون‌خواهی دیگران به پیش ببرند و همه با هم به گونه‌ای مسالمت‌آمیز با پذیرش تفاوت‌های قومی، نژادی، زبانی و مذهبی یکدیگر، در کنار هم زندگی نموده و با تفاوت‌های شهروندی بهاء دهند. حقوق شهروندی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین حق یک شهروند است و با تمام ملزوماتش رعایت شود. باید همه شهروندان به همدیگر احترام بگذارند و به مسئولیت‌های خویش در قبال جامعه عمل نمایند. همچنان که عالمان علم حقوق از شهروند تعریف می‌کند. حقوق شهروندی به افرادی تعلق می‌یابد که «تابعیت» یک کشور را داشته باشند. همچنین باید افزود که حقوق شهروندی، به تابعان یک کشور فارغ از رنگ، قومیت، نژاد، دین و طبقه‌شان تعلق می‌یابد. چنانچه در کشور ما، مسلمان بودن شرط برخورداری از حقوق شهروندی نیست. در واقع این حقوق، رنگ و بویی ملی به خود گرفته و به صفات گفته شده ارتباطی ندارند؛ بدین معنا که ویژگی‌هایی مانند جنسیت، مذهب و قومیت نباید باعث تبعیض میان افراد شده و آنها را از حقوق خود محروم نماید. این مسأله در قوانین گوناگون آمده است که از نمونه‌های آن ماده ششم و بیست دوم قانون اساسی با توجه به تعدد اقوام و ملیت‌ها در افغانستان دولت را به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی براساس عدالت و برابری بین تمام اقوام و ملیت‌ها و انکشاف متوازن در تمام کشور ملزم می‌کند و همه اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون، دارای حقوق و وجایب مساوی اند. شهید مزاری با درک از حقایق تلخ گذشته و نگاه به افق روشن آینده افغانستان در طی سخنانی اظهار می‌دارد: «خواست ما تأمین عدالت، برابری و برادری میان مردم افغانستان از هر قوم و نژاد، با هر رنگ زبان برادرانه و برابرزندگی کنند و حقوق حقه تمامی ملیت‌های افغانستان تأمین گردد.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۸۲).

در اندیشه شهید مزاری، ملت‌سازی و هویت جمعی را در درون یک ساختار سیاسی مدرن و دموکراتیک باید جستجو کرد، و در سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و ابراز نظرهایش همواره ضمن شکایت از حکومت‌های استبدادی و خودکامه گذشته و مطالبی که بر اقوام تحت ستم روا داشته بود، مدل از حکومت مبتنی بر اراده ملی و همه‌شمول را ارائه می‌کرد که در آن تمام ملیت‌ها براساس نفوس خود در آن سهم داشته باشد، ممثل تمام باشندگان این

سرزمین باشد. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید: «تا وقتی که حقوق ملیت‌های کشور تأمین نگردد، مشکل افغانستان و اختلاف سیاسی حل نمی‌گردد. ریشه اصلی تمام فاجعه‌ها در این کشور، انحصار طلبی و نادیده گرفتن حقوق دیگران است. در بخشی دیگر از صحبت‌هایش می‌گوید: حق طبیعی همه مردم و ملیت‌های افغانستان این است که در تعیین سرنوشت آینده‌شان مشارکت داشته باشند و تصمیم بگیرند. حکومت‌های گذشته حکومت‌های مردمی و مبتنی بر اراده و انتخاب آزاد مردم نبودند.» (غفاری لعلی، ۱۳۹۶: ۷۴ و ۱۳۱).

نتیجه‌گیری

در تفکر و اندیشه شهید مزاری، افغانستان در درازنای تاریخ معاصر دچار بحران‌های هویت ملی بوده است. از این رو، همواره از نبود اعتماد ملی در افغانستان رنج می‌برد. از دید او، یکی از موانع جدی فراراه انسجام و یک‌پارچگی ملی در این سرزمین، حاکمان مستبد و خودکامه و روحیه تمامیت‌خواهی بود، آنانی که با تکیه بر عنصر قومیت برای بقای حاکمیت پوشالی خویش اقدام به بی‌رحمانه‌ترین نوع تصفیه قومی، مذهبی و نژادی کرده‌اند. او سرکوب ملیت‌های محروم و حذف فیزیکی و سیاسی را نه راه حل، بلکه یک خیانت و فاجعه ملی می‌دانست. او معتقد بود راه رسیدن به سعادت و رستگاری جامعه در اتحاد و هبستگی ملی است. شهید مزاری به این باور بود که تا زمینه‌ها و بستری فراهم شود تا همه باشندگان افغانستان ارزش‌ها اساسی شهروندی از قبیل: باورمندی به سرزمین مشترک، سنت، عادات، فرهنگ مشترک، دین مشترک، اقتصاد مشترک و تاریخ مشترک ایجاد شود، که هویت ملی و یا چیستی و کیستی، آنها را بازتاب دهد و اعتقاد به اینکه، افغانستان به تمام گروه‌ها، اقشار و طبقات مختلف اجتماعی تعلق داشته باشند. همه این‌ها با ایجاد فضایی تعامل، رواداری و روحیه همدیگرپذیری میسر خواهد شد. سخن آخر اینکه جای خوشبختی نسل امروز این است که توانسته است از ایجاد گفت‌وگو وحدت ملی رهبر شهید درس‌های بزرگی بگیرند و به سمت همدلی و همبستگی ملی در حرکت باشند.